

( وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ) فِي بَعْضِ أَيَّامِ صِفِّينَ: وَقَدْ رَأَيْتُ جَوَلْتَكُمْ، وَ انْحِيَا زَكُمُ عَنْ صُفُوفِكُمْ، تَحُوزُكُمْ الْجُفَاءُ الطَّغَامُ وَأَعْرَابُ أَهْلِ الشَّامِ، وَأَنْتُمْ لِهَامِيمِ الْعَرَبِ، وَ يَأْفِيخُ الشَّرْفِ، وَ الْأَنْفُ الْمُقَدَّمِ، وَ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ لَقَدْ شَفَى وَ حَاوِحَ صَدْرِي، أَنْ رَأَيْتُكُمْ بِآخِرَةِ تَحُوزُونَهِمْ كَمَا حَاوَزُكُمْ، وَ تُزِيلُونَهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ كَمَا أزالوكمُ حَسًّا بِالنِّصَالِ، وَ شَجْرًا بِالرِّمَاحِ، تَرْكَبُ أَوْلَاهُمْ أَخْرَاهُمْ كَالْبَابِلِ الْهَيْمِ الْمَطْرُودَةِ، تُرْمَى عَنْ حِيَاضِهَا، وَ تَدَادُ عَنْ مَوَارِدِهَا.

در یکی از ایام صفین

وصف نبرد یاران در صفین

از جای کنده شدن و فرار شما را از صفها دیدم، فرومایگان گمنام، و بیابان‌نشینانی از شام، شما را پس می‌رانند، در حالی که شما از بزرگان و سرشناسان عرب و از سران شرف می‌باشید، برزندگی چشمگیری دارید و قله‌های سرفراز و بلند قامتید، سرانجام سوزش سینه‌ام با مقاومت و حملات دلاورانه شما، تسکین یافت، که دیدم شامیان را هزیمت دادید و صفهای آنان را درهم شکستید، و آنان را از لشکرگاه خود راندید، آنگونه که آنها شما را کنار زدند، می‌دیدم با نیزه‌ها آنان را کوفتید و با تیرها، آنها را هدف قرار دادید، که فراریان و کشتگان دشمن روی هم ریختند، و بر دوش هم سوار می‌شدند، چونان شتران تشنه‌ای که از آب‌خورشان برانند و به هر سو گریزان باشند.